



خاطرات

♦ گروه طنز ساحل //

نویسنده: دویید فونکینوس - فرانسه / ترجمه ی: ساناز فلاح فرد

بخش کوتاهی از کتاب:

خاطره ای از همسایه و مالک فعلی آپارتمان قبلی پدر بزرگ و مادر بزرگ من. وقتی سیزده ساله بود از زن همسایه که بسیار جذاب بود خوشش می آمد. هر شب او را به خواب می دید. دوست داشت میان شان فاصله ای نباشد. بنابراین فکری به سرش زد. سوراخ کردن دیوار اتاقش. طبق محاسباتش،

اتاقش پشت اتاق آن ها بود. از نبود پدرش (لوکوموتیورانی که بیشتر روزها در خانه نبود) برای تحقق نقشه اش استفاده کرد. با شکست مواجه شد. همسایه سوراخ را دید و شکایت کرد.

پدرش دوستانه مشکل را حل و فصل کرد، خسارت مالی داد و کشیده ی محکمی توی گوشش خواباند. سرش فریاد کشید و گفت: «حالت خوب نیست، واقعاً که بیماری!» چنین بود که آموزش های فردی او در مسائل جنسی سرکوب شد.....

ضرب المثل های آبکی!

♦ گروه طنز ساحل //

- اصلاً آب کجا بود که سربالا برود و قورباغه ابوعطا بخواند.

- خیال تان راحت باشد. با این جیره بندی آب حتی به مچ پا هم نمی رسد، چه رسد به این که یک نی یا صد نی از سر بگذرد.

- اگر آب می دید شناگر قابلی می شد.
- برخلاف قبل، حالا باید از کره آب گرفت.

- دیگر آب پیدا نمی شود که بریزند در هاون و بکوبند.

- امروزه باید از آب گل آلود داخل لوله های آب ماهی گرفت.

«شادی»



ضرب المثل های آموزش و پرورشی!

♦ گروه طنز ساحل //

* بایک معلم، دو تا کلاس اداره نمی شود!

* وامی که به مدرسه ی دولتی رواست، به غیرانتفاعی حرام است!

* یکی را توی آموزش و پرورش راه نمی دادند، سراغ ترفیع معلمی را می گرفت.

* سال به سال، دریغ از کتاب های درسی پارسال!

* کتاب های درسی را آخر پاییزی می دهند! «پشمک»

* سالی که نکوست، از بودجه ی آموزش و پرورش اش بیبداست!

تابلو های کوچک بدون قاب

اندر باب جنگ و صلح

♦ گروه طنز ساحل //

* آن قدر نسبت به یکدیگر کینه و عداوت داشتند که بعد از خاتمه جنگ، اسرای جنگی را به سوی یکدیگر شلیک کردند!

* آنقدر وضعیتش رو به راه بود که وقتی گفتند، صلح برقرار شده است پرسید: مگر جنگی در کار بوده است.

* آنقدر پارتی اش کلفت بود که انتظار داشت وقتی به جبهه جنگ می رود، یک سنگر مبله با تمام وسایل لوازم خانگی در اختیارش بگذارند.

* فرمانده لشکر، آن قدر مدال به سینه خود آویخته بود که به نظرمی رسید، اصلاً لباس نبوشیده است.

* در حالی که جنگ ادامه داشت، کبوتران صلح در مرز دو کشور متخاصم در حال تخم گذاشتن بودند.

* تعداد معلولین جنگی آنقدر افزایش یافته بود که حتی پزشکان، با دست های مصنوعی به عمل جراحی می پرداختند.

ادامه دارد...

رحیم صارمی



اثر: کامبیز درم بخش



۸ عادت اشتباه در راه رفتن که به سلامتی شما آسیب می زند

